

تحلیل گفتمان انتقادی رمان چهارگانه "الخسوف" بر اساس رویکرد "نورمن فرکلاف"

قاسم ابراهیمی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک
ابراهیم اناری بزجلویی^۱، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک
ابوالفضل سجادی، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک
محمد جرفی، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۳۱

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان گرایشی میان‌رشته‌ای، در بررسی متون از سطح جمله و کلام فراتر رفته و به بافت موقعیتی که متن در آن شکل گرفته است، توجه می‌کند. نورمن فرکلاف یکی از نظریه‌پردازان در این حوزه است که برای نظریه خود سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین را در نظر می‌گیرد. این پژوهش سعی دارد تا به صورت توصیفی - تحلیلی، سه سطح گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف را در بخش‌های چهارگانه رمان الخسوف، مورد بررسی قرار دهد. ابراهیم ال‌کونی در رمان حاضر با استفاده از باهم‌آیی و تکرار واژگان، به کارگیری واژگان متضاد و استفاده از استعاره‌های مفهومی و بلاغی و با تکیه بر شالوده‌های رئالیسم و رئالیسم جادویی، ضمن فراخوانی متون مختلف همچون قرآن، روایات، اشعار شاعران قبل و استفاده از ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات عامیانه و اسطوره‌های اهل صحرا، در پی تبیین اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. او با گفتمانی ضداستعماری به بیان مسائلی چون زندگی مردم قبایل طوارق، اوضاع نابه‌سامان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه لیبی در زمان استعمارگران اروپایی، تقابل سنت و مدرنیته و ... می‌پردازد و با تقویت روحیه مبارزه‌طلبی، به دنبال کسب مفاهیمی چون آزادی و تغییر است.

کلید واژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف، ابراهیم ال‌کونی، چهارگانه الخسوف.

مقدمه

تحلیل گفتمان^۱ که در زبان فارسی به "سخن‌کاوی"، "تحلیل کلام" و "تحلیل گفتار" نیز ترجمه شده است، امروزه به گرایشی بین‌رشته‌ای در علوم اجتماعی تبدیل شده است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷). این رویکرد ریشه در آراء "میشل فوکو"^۲ فیلسوف فرانسوی و بنیانگذار تحلیل گفتمان، دارد. او معتقد است که عواملی چون بافت تاریخی، روابط قدرت در جامعه، نهادها و فرآیندهای اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی، متن یا صورت زبان و معانی را به وجود می‌آورند (آقاگل زاده، ۱۳۹۴: ۲). در اندیشه‌های فوکو، تأکید بر این است که رابطه تعاملی بین متن^۳ و زمینه^۴ وجود دارد. در تحلیل گفتمان، مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود و علاوه بر معنای ظاهری، به شرایط زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توجه می‌شود. تحلیل گفتمان سعی دارد با مطالعه اثرات ظاهری گفتار، ساختار تولید و زمینه وقوع متن یا گفتار یعنی عوامل بیرون از متن (بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره) به تحلیلی دست پیدا کند که رابطه بین تشکیل ایدئولوژی و تشکیل گفتار و تأثرات آن را بر ساختار، آشکار سازد. چرا که در نگاه این رویکرد افزون بر رابطه تعاملی بین متن و زمینه، رابطه تعاملی و دیالکتیکی بین گفتمان، قدرت، معرفت و حقیقت نیز وجود دارد (ایله‌ای یحیایی، ۱۳۸۹: ۱۴).

ابراهیم ال‌کونی (۱۹۴۸م -) یکی از بزرگ‌ترین رمان‌نویسان معاصر جهان عرب است. وی تاکنون بیش از ۶۰ رمان نگاشته است. یکی از بهترین رمان‌های ابراهیم ال‌کونی چهارگانه "الخسوف" است که در چهار بخش "البئر" (چاه)، "الواحة" (آبادی)، "أخبار الطوفان الثانی" (اخبار طوفان دوم) و "نداء الوقواق" (آوای فاخته) نوشته شده است. ال‌کونی قصد دارد تا در رمان حاضر میان اسطوره، تاریخ و اجتماع با نگاهی فلسفی و انتقادی تلفیق ایجاد کند. در رمان الخسوف، ابراهیم ال‌کونی به صحراء سفر می‌کند و به روایت زندگی قبایل "طوارق" و مبارزات ضداستعماری آنان می‌پردازد و در آن، میان عصر حاضر و اسطوره تلفیقی شگفت ایجاد می‌کند. وی افزون بر رمان الخسوف در

دیگر آثارش نیز بالاترین آمیزه از واقعیت‌ها، نمادها و کارکرد اسطوره‌های ملی صحرای آفریقا را به نمایش می‌گذارد. «به هنگام خواندن کارهای ابراهیم ال‌کونی به وضوح امتزاج واقعیت و تاریخ و اسطوره را مشاهده می‌کنیم و فضای غالب در آثارش فضای تنها و خلوت‌گزیده صحرا است که نویسنده برای نمایش افکارش آن را انتخاب کرده است و بر افکار جامعه لیبی و جهان عربی تأثیر گذاشته است. ال‌کونی واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی و فرهنگی را موضوع خیالی قرار داده است و از خلال آن دنیای خود را در رمان ساخته است» (عثمان، ۱۹۹۱: ۲۲۷-۲۲۸). ال‌کونی عناصر طبیعی خشک و سخت صحرا را به روایت‌های زیبایی تبدیل می‌کند و در آن تنها به جنبه‌های خارجی اماکن نمی‌پردازد؛ بلکه به بیان ابعاد اجتماعی و فرهنگی قبایل طوارق ساکن در آنجا پرداخته «و در روایت‌ها و داستان‌هایش جغرافیا و زندگی اجتماعی را در صحرای بزرگ لیبی نشان می‌دهد. نقطه تمایز روایت‌های او با داستان‌ها و روایت‌های دیگر این است که او به گذشته‌های دور صحرا و به کشف اساطیر و راز و رمز آنها و شن‌زارهایی که گذشتگان، طلسم و سحر و جادویشان را در آنها به جای گذاشته‌اند، می‌پردازد» (وتار، ۲۰۰۲: ۲۱۸).

پیشینه بحث

در باره پژوهش‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی که در زمینه تحلیل گفتمان نوشته شده است می‌توان به مقاله مقاله "تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور" (۱۳۸۸) از حسین‌علی قبادی و سیدعلی دسپ، مقاله "بررسی رمان "الصبار" سحر خلیفه بر اساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف" (۱۳۹۱) از نسرين عباسی، مقاله "تحلیل گفتمان پسااستعماری در رمان "شرفه الهذیان" اثر ابراهیم نصر الله" (۱۳۹۴) از احمدرضا صاعدی، اشاره کرد.

در رابطه با بررسی رمان‌های ابراهیم ال‌کونی نیز می‌توان به پایان‌نامه فرشته مولائی با عنوان "ترجمه و نقد رمان «البحث عن المكان الضائع»" (۱۳۸۸) اشاره کرد؛ وی در این اثر قائل بر این است که ابراهیم ال‌کونی با استفاده از رمز و نماد، اعمال مستبدان کشورش

را بررسی و تحلیل کرده و آنها را مورد انتقاد قرار می‌دهد. همچنین می‌توان به مقاله "الواقعية السحرية في أعمال إبراهيم الكوني (رواية الورم نموذجاً)" (۱۴۳۳/۲۰۱۲) از صلاح الدین عبدی اشاره کرد. وی در این مقاله، الکونی را به عنوان نماینده رئالیسم جادویی^۵ در ادبیات عربی معرفی می‌کند. از دیگر پژوهش‌هایی که در زمینه آثار ابراهیم الکونی نوشته شده‌است، می‌توان به پایان‌نامه "بررسی و تحلیل عناصر داستان رمان اهل غرق مینرو روانی‌پور و رمان الورم ابراهیم الکونی" (۱۳۹۴) از اکرم اشرف نوحه‌گر، اشاره کرد.

تحلیل گفتمان انتقادی

گفتمان را مرادفه بین گوینده و شنونده و بازنمود یک صدا در دل یک متن دانسته‌اند (میلز، ۱۳۸۲: ۷ - ۱۶). این اصطلاح اولین بار در مقاله «تحلیل گفتمان» نوشته "زلیک هریس"^۶ به کار رفته است. او تحلیل گفتمان را نگاهی صرفاً صورت‌گرایانه به متن می‌داند (بهرام پور، ۱۳۷۹: ۲۲). امروزه سخن‌کاوی، چگونگی تبلور و شکل‌بندی معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی و برون‌زبانی بررسی می‌کند (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۰). به نظر صورت‌گرایان، نویسندگان متون علمی و صرفاً اطلاعاتی می‌کوشند تا از ابهام و چندمعنایی پرهیز کنند اما آفریننده اثر ادبی آگاهانه زبانی را بر می‌گزیند که پر از ابهام و سایه‌روشن‌های معنایی است (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۰۱). بعضی از تحلیل‌گران گفتمان همچون "سینکلر"^۷ و "کولتهارد"^۸ معنای واحدهای گفتمان را آشکار و عاری از ابهام می‌دانند، اما نورمن فرکلاف^۹ معتقد است که معنای متن گاهی نامشخص است و واحدهای درون یک گفتمان مستعد تفاسیر مختلف‌اند (میلز، ۱۳۸۲: ۱۹۵). یکی از گونه‌های تحلیل گفتمان، گفتمان‌کاوی انتقادی است. تحلیل گفتمان انتقادی قصد دارد با روشی نظام‌مند به کاوش در روابط نامعلوم بین متون وقایع و اعمال گفتمانی و ساختارها، روابط فرآیندهای فرهنگی و اجتماعی در سطح گسترده بپردازد (Fairclough, 1995: 132). "وندایک"^{۱۰}، یکی از چهره‌های این رویکرد است که از تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان روشی برای توجه به نقش گفتمان در بازتولید و

چالش سلطه یاد می‌کند (Van Dijk, 1993: 249). تحلیل گفتمان انتقادی در بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی، به فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش‌فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، بازتولید اجتماعی ایدئولوژی زور، قدرت و سلطه و نابرابری در گفتمان توجه کرده و عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای کنشگران، هدف و موضوع مطالعه خود قرار می‌دهد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲).

رویکرد نورمن فرکلاف از میان رویکردهای موجود در جنبش تحلیل گفتمان انتقادی مدون‌ترین نظریه‌ها و روش‌ها را برای تحقیق در حوزه ارتباطات، فرهنگ و جامعه داراست (بورگنسن، ۱۳۹۵: ۱۰۹). فرکلاف برای اشاره به کل فرآیند تعامل اجتماعی از اصطلاح گفتمان استفاده می‌کند که متن فقط بخشی از آن است؛ زیرا او برای گفتمان، سه عنصر متن، تعامل و بافت اجتماعی را در نظر می‌گیرد. به باور وی، کاربرد زبان معمولاً در حالتی که سازنده هویت‌های اجتماعی است، روابط اجتماعی و نظام‌های دانش و باورها نیز از طریق آن ساخته می‌شوند. او بر مبنای چهارچوب زبان‌شناسی نقش‌گرای "هلیدی" عمل می‌کند و رویکردش را مطالعه انتقادی زبان می‌نامد. «تحلیل گفتمانی انتقادی یک نوع تحلیل گفتمانی است که نحوه استفاده غیرمشروع از قدرت جمعی، سلطه، عدم مساوات که از طریق نوشتار و گفتار در بافت اجتماعی و سیاسی خاص صورت می‌گیرد، ایجاد می‌شود و یا در برابر آن ایستادگی می‌شود را بررسی می‌نماید» (یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۴).

روش تحلیل گفتمانی فرکلاف از سه سطح تشکیل می‌شود؛ سطح توصیف، که در این سطح متن بر اساس مشخصه‌های زبان‌شناختی خاص موجود در گفتمان توصیف می‌شود. در سطح تفسیر و توضیح، روابط موجود بین فرآیندهایی که باعث تولید و درک گفتمان موردنظر می‌شود و تأثیر انتخاب‌ها در پیکره گفتمان (از لحاظ واژگان، ساخت و ...) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در سطح سوم که سطح تبیین نام دارد، به توضیح و چرایی رابطه بین عناصر گفتمانی و اجتماع می‌پردازد؛ یعنی هدف آن، توضیح

تأثیر گفتمان خاص در چارچوب عمل اجتماعی، با توجه به پیشینه فرهنگی آن گفتمان و دلایل انتخاب و به کارگیری واژگان خاص در متن می‌باشد (آفاگل زاده، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

خلاصه چهارگانه الخسوف

رمان "البئر" از آنجایی شروع می‌شود که "اماستان" برادر ناتنی "غوما" شخصیت اصلی داستان و شیخ قبیله "امنغساتن"، در زمان وقوع خسوف خودکشی می‌کند و بعد از آن نویسنده به بیان گذشته اماستان می‌پردازد. همچنین به این موضوع اشاره دارد که او به خاطر عشق نافرjami که داشته با فرانسویان استعمارگر متحد می‌شود و برای انتقام از اهل صحرا که آنها را باعث خودکشی معشوقه‌اش می‌داند، همکاری می‌کند و غوما به همراه افراد قبایل دیگر برای مقابله با استعمارگران فرانسوی و اماستان عازم جنگ می‌شود. پس از درگیری‌های متعدد با فرانسوی‌ها، در هفته سوم به اشغالگران فرانسوی حمله‌ور می‌شوند و پس از تلفات بسیار و کشته شدن شیخ "جبور" که رئیس یکی از قبایل بود و زخمی شدن شیخ غوما، اشغالگران را شکست می‌دهند و اماستان و عده‌ای از اشغالگران را اسیر می‌کنند. غوما خود شخصاً به مجازات اماستان می‌پردازد و او را به صورت عریان در میان قبیله می‌گرداند.

ابراهیم الکنونی در ضمن رمان به بیان ماجراهای عاشقانه شخصیت‌های رمان می‌پردازد و به بعضی از آداب و رسوم میان قبیله و اعتقادات آنها که گاه با خرافات و افسانه‌ها آمیخته شده نیز اشاره می‌کند. در پایان رمان، قبیله به دلیل خشک شدن چاه "اطلانتس" مجبور به مهاجرت می‌شوند و به واحه (آبادی) می‌روند.

در رمان "الواحه" با وجود گذشت پنج سال از مهاجرت قبیله از صحرا و استقرار در واحه، افراد قبیله همچنان دلتنگ زندگی قدیم خود در صحرا هستند و به خاطر اینکه همچنان امیدوارند تا اقامت آنها در واحه موقت باشد و بتوانند به زندگی سابق خود در صحرا بازگردند، همانند ساکنان اصلی واحه برای خود کلبه و خانه نمی‌سازند و در چادرها زندگی می‌کنند. اما به تدریج که اقامت آنها در واحه طولانی می‌شود، شروع به ساختن کلبه‌ها و خانه‌هایی برای خود می‌کنند. حتی بعضی از افراد قبیله برای پیدا کردن

کار به شهرهای شمالی مهاجرت می‌کنند. "آیس"، نوۀ شیخ غوما، عاشق باتا می‌شود و با وجود اختلاف سنی زیاد و مخالفت‌های سرسختانه شیخ غوما که خود زمانی عاشق باتا بود، با او ازدواج می‌کند. بعدها باتا به بیماری لاعلاجی دچار شده و صورت او بسیار زشت و شبیه غول می‌شود و آیس از او طلاق می‌گیرد. "مهمدو" (جادوگر قبله) پس از گذشت چند روز از مرگش، از قبر زنده بیرون می‌آید. در ادامه مهمدو در ترکیب سحر و جادوهای خود دچار اشتباه می‌شود و این کار باعث نازل شدن مصیبت برای واحه می‌شود. طوفانی شروع شده که به مدت هفت شبانه‌روز به طول می‌انجامد، سپس عقرب‌ها به واحه حمله می‌کنند. در نهایت به علت شیوع زیاد بیماری‌ها و مرگ و میر ناشی از بیماری‌ها و هجوم عقرب‌ها غوما دستور می‌دهد که افراد قبیله کلبه‌ها و خانه‌ها را آتش زده و از آنجا مهاجرت کرده و به واحه "آدرار" بروند.

در رمان "أخبار الطوفان الثاني" پس از مستقرشدن قبیله در واحه آدرار، دولت برای قبایلی که در سال‌های اخیر در وادی آدرار ساکن شده‌اند چاه حفر می‌کند. شیخ غوما به همراه شیخ آهر و شیخ خلیل به پایتخت می‌روند تا از دولت درخواست کنند که برای قبیله آنها هم در وادی آدرار چاه حفر شود. به تدریج جوانان قبیله به واحه‌های دیگر مهاجرت می‌کنند و در شرکت‌های مختلف شروع به کار می‌کنند. پس از موافقت دولت با حفر چاه برای قبیله، ماشین‌ها و ابزارآلات حفر چاه به آدرار سرازیر می‌شوند و "کونستانتیس" که فردی یونانی و مسیحی است مسئولیت حفر چاه برای قبیله را برعهده می‌گیرد. پس از حفاری‌های شرکت حفاری چاه، آب به صورت سیل آسا جاری می‌شود و سیل به راه می‌افتد. کونستانتیس به همراه اهالی قبیله پس از چند روز موفق می‌شود که سیل را مهار کند. در ادامه باتا می‌میرد و غوما مراسم تدفین او را به خوبی به جا می‌آورد. کونستانتیس به همراه شرکت حفاری چاه به وادی "آجال" می‌رود. مدتی بعد درپوش کنترل میزان خروج آب منفجر می‌شود و دوباره سیل با شدت بیشتری به راه می‌افتد، پس از چند روز قبیله که در معرض غرق شدن در سیلاب قرار داشت، بار دیگر مجبور به مهاجرت شده و به وادی "آجال" می‌روند و واحه آدرار در سیل غرق می‌شود.

در رمان "نداء الوقواق" آیس به همراه چند نفر از دوستانش که در بخش قبل وارد دانشکده تربیت معلم شده است در اعتراض به اشغالگری ایتالیایی‌ها دستگیر می‌شود. کشور دچار ناآرامی‌ها و صحنه اعتراضات و اعتصاب‌های مردم شده و در "طرابلس" و "بنغازی" بسیاری از مردم در اعتراض به اشغالگری ایتالیایی‌ها و دولت دست‌نشانده کشته می‌شوند. آیس و دوستانش پس از مذاکره‌های غوما و رئیس پلیس آزاد می‌شوند. "موری" که قبلاً در ارتش ایتالیا خدمت می‌کرد و در اشغال لیبی توسط ایتالیا حضور داشت پس از بازنشستگی برای به دست آوردن آثار باستانی و گنج‌های پنهان صحرا به لیبی می‌آید و بسیاری از جوانان وادی آجال را در شرکت خود استخدام می‌کند. پس از چند روز حفاری، افراد موری به یک مومیایی دست پیدا می‌کنند که ادعا می‌شود مومیایی پنج هزار ساله "تانس" (خدای زیبایی و حاصلخیزی در نزد مردم لیبی) است. همچنین به آثار باستانی بسیاری در اطراف مقبره مومیایی دست می‌یابند به طوری که ادعا می‌شود آثار باستانی کشف شده با آثار باستانی مقبره "توت‌عنخ‌آمون"، مشهورترین فرعون مصر، برابری می‌کند. "عیاش الدّوس" که به همراه آیس در اعتصابات دستگیر شده بود، در پایتخت توسط دولت کشته می‌شود. در ادامه شیخ غوما به همراه جنگجویان قبایل دیگر با وجود مخالفت‌های شیخ آهر که شیخ غوما ریاست قبیله را به او واگذار کرده بود، برای مبارزه با استعمارگران ایتالیایی آماده می‌شود. شیخ غوما به همراه "ایدار" که جنگجویی از قبیله "فوگاس" بود و همچنین افراد قبایل دیگر برای جنگ عازم می‌شود. در مسیر حرکت غوما به دلیل بیماری و تب از روی اسب می‌افتد و می‌میرد و به این ترتیب رمان به پایان می‌رسد.

گفتمان‌کاوی انتقادی رمان

ابتدا به بررسی سطح توصیف رمان که اولین مرحله از روش گفتمان‌کاوی نورمن فرکلاف است پرداخته می‌شود.

سطح توصیف

در مرحله توصیف، متن در سه سطح واژگان، ساختارهای نحوی و ساختار متن بررسی می‌شود. استفاده از واژه‌های رسمی یا محاوره‌ای، عناصر گرامری و ضمیر به کار رفته در متن و شناسایی استعاره‌های موجود در متن، بعضی از مسائلی هستند که در این قسمت بررسی می‌شوند. مطابق این نوع تحلیل باید به این مسائل پرداخت که به لحاظ ایدئولوژیک چه نوعی از روابط معنایی (هم‌معنایی، شمول‌معنایی و تضادمعنایی) بین کلمات وجود دارد؟ کلمات رسمی‌اند یا محاوره‌ای؟ جملات بیشتر از نوع معلوم‌اند یا مجهول؟ از کدام وجه خبری، پرسشی یا امری استفاده شده است؟ آیا ضمیرهای ما و شما استفاده شده است؟ نحوه کاربرد آنها چگونه است؟ (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۰ - ۱۷۱).

هم‌معنایی، شمول‌معنایی، تضادمعنایی

هم‌معنایی موردی است که در آن کلمات دارای معنای یکسان هستند. یافتن موارد هم‌معنایی مطلق دشوار است؛ از این روی باید در عالم واقع در پی روابط هم‌معنایی تقریبی بین کلمات بود. شمول‌معنایی موردی است که در آن معنای یک کلمه در بطن معنای کلمه‌ای دیگر جای دارد. تضادمعنایی همان ناسازگاری معنایی است. یعنی معنای یک کلمه با معنای کلمه دیگر ناسازگار است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۸).

استعمار، غیر، دیگری، دشمن خارجی، دشمن داخلی

یکی از جنبه‌های جهان‌بینی و نگرش نویسنده که در این رمان از لحاظ کاربرد در سطح واژگان، روابط هم‌نشینی و هم‌آیی کلمات، اسم‌سازی، فرآیندهای دستوری و مشارکین نمود دارد، توجه به دشمن خارجی و داخلی و انسان‌های خودفروخته است که به عنوان تضادمعنایی در این رمان برجسته شده است (قبادی، ۱۳۸۸: ۱۶۷). ورود استعمارگران اروپایی به لیبی و قتل و کشتار مردم توسط آنان و غارت اموال آنها، همچنین موضوع خودفروختگان وطن‌فروشی که همه تلاش و کوشش‌شان خدمت به بیگانگان است، در این رمان مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده در مقابل دشمنان خارجی و دشمنان

داخلی انسان‌های میهن‌دوستی را قرار داده است که نماد مردم صحرا و اصالت آنها هستند. این انتخاب، نگاه ایدئولوژیک نویسنده را به هویت مردم صحرا نشان می‌دهد که یکی از درون‌مایه‌های این رمان است. در رمان "الخسوف" صحرا نماد جامعه لیبی است و غوما نمایندهٔ افراد وطن‌دوستی است که در راه خدمت به وطنش و همچنین دفاع از آن حاضر به فداکاری است؛ به طوری که تنها فرزند خود را در راه دفاع از وطن فدا می‌کند و خودش نیز توسط ایتالیایی‌ها زندانی می‌شود. اماستان، استاندار و دولت دست‌نشانده نماد افراد وطن‌فروش و دشمنان داخلی هستند که به خاطر منافع شخصی به کشور و وطن خود خیانت می‌کنند. دشمنان خارجی استعمارگران ایتالیایی و فرانسوی هستند که برای غارت منابع طبیعی و سایر امکانات کشورهای آفریقایی به آفریقا سرازیر شده‌اند. در این رمان ژنرال "بوردیللو"، "بالبو"، "غراسیانی"، "باولینو"، "ماریوس" و سایر ایتالیایی‌های اشغالگر نمونه‌هایی از این دشمنان هستند. کاربرد این گروه از افراد در برابر افراد میهن‌دوستی همچون غوما در رمان، تضاد و اختلاف دو طبقه را نشان می‌دهد. در این میان افرادی هم هستند که تسلیم استعمار و استعمارگران شده و به شرایط نامساعد موجود تن داده‌اند. باتا و آهر که خود روزگاری از مبارزان جنگ علیه استعمارگران فرانسوی بود و بعدها ریاست قبیله توسط شیخ غوما به او محول می‌شود، نمونه‌هایی از این افراد هستند.

وطن، صحرا، هویت

ابراهیم ال‌کونی در این اثر با به کارگیری برخی از اصطلاحات و توجه به فرهنگ و اسطوره‌های مردم صحرا، شخصیت‌های اساطیری و قهرمانان آفریقا، و اسامی قبایل و مکان‌ها به گونه‌ای سعی در همراه کردن و هم‌آیی هویت در رمان را دارد. این ویژگی در رمان از چند جنبه نمایان است:

الف) انتخاب واژگان، اصطلاحات عامیانه و ضرب‌المثل‌های اهل صحرا

توجه به واژگان و اصطلاحات عامیانه که متناسب با فضای شکل‌گیری رمان و منطقه صحرا و مردم آن است و همچنین سعی در حفظ و پاسداری از فرهنگ بومی و قدیمی

مردم صحرا، نشان‌دهنده اصالت و قدمت فرهنگ مردم صحرا است. غوما شخصیت اصلی رمان با وجود اینکه مدتی از عمر خود را برای علم‌آموزی به دور از صحرا سپری کرده است و فرد عالمی است، اما خود را جدا از مردم صحرا احساس نمی‌کند و سعی دارد تا با آگاه‌کردن مردم صحرا و کمک به آنها از اشاعه و گسترش فرهنگ غیر که همان فرهنگ استعمارگران اروپایی است، جلوگیری کند. روایت اسطوره تانس و اطلاعات از زبان غوما، نشان‌دهنده آگاهی او از فرهنگ و آداب و رسوم مردم صحرا است. همچنین ابراهیم ال‌کونی به ذکر اسامی شخصیت‌ها و اماکنی می‌پردازد که همانند آن را در دنیای عربی نمونه‌ای نیست. برای مثال او از تانس (خدای زیبایی و حاصلخیزی در نزد گذشتگان لیبی) یاد می‌کند که گاه شخصیت‌های رمان به نام او سوگند می‌خورند و شخصیت اصلی افسانه مربوط به وجود آمدن چاه اطلاعات می‌باشد که افسانه آن در میان رمان البئر ذکر می‌شود.

زبان ال‌کونی مبتکرانه است. زبانی است که در آن همه فرق‌ها و اختلافات اجتماعی ذوب می‌شود و نویسنده بر آن آگاهی کامل دارد تا اینکه جملات را در سطح زبانی که متناسب اوضاع و احوال شخصیت‌های فرهنگی و اجتماعی و فکری است به کارگیرد؛ به طوری که اگر در رمان شخص عالم زبان‌شناس یا صوفی یا ملحد و ... باشد، نویسنده زبانی که متناسب هر کدام از آنها است را به کار می‌گیرد (مرتاض، ۱۹۹۰: ۱۰۴). زبان عامی و لهجه‌های محلی یکی از ویژگی‌های اسلوبی رمان‌های ال‌کونی می‌باشد. بدیهی است که ادبیات محاوره صریح‌تر و بی‌پرده‌تر از ادبیات رسمی است و نیز ابهام کم‌تری دارد. همچنین استفاده آشکار و بی‌پرده از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات عامیانه در جای‌جای رمان مشاهده می‌شود. شخصیت‌های رمان در هنگام برخورد با یکدیگر و گفت‌وگو در مورد موضوعات مختلف از ضرب‌المثل‌ها استفاده می‌کنند. در واقع این ضرب‌المثل‌ها از فرهنگ مردم طوارق و مردم عرب حکایت دارد. ال‌کونی با به کارگیری ضرب‌المثل‌ها در رمان خود ریشه‌های فرهنگی خود را مورد توجه قرار می‌دهد و سعی

می‌کند تا با کمک این تکنیک، سبک ادبی خویش را بیشتر در خدمت اندیشه‌هایش قرار دهد.

ب) آیین‌های اساطیری در رمان

استفاده از آیین‌های اساطیری و آوردن اسطوره‌های مخصوص صحرا نمونه دیگری از همنشینی و هم‌آیی واژگان در این سطح است که هویت اهل صحرا را برجسته می‌کند. این ویژگی در اثر، از طریق آوردن اسطوره تانس و اسطوره جدال میان صحرای شنی و صحرای کوهستانی، اشاره‌های گاه و بیگاه به آنها و همچنین دیگر اسطوره‌ها، از فرهنگ غنی مردم صحرا حکایت دارد و نگاه ایدئولوژیک نویسنده به این موضوع را نشان می‌دهد. از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی انتخاب شخصیت‌های اسطوره‌ای در رمان و بیان اسطوره‌های بومی و ملی، ذهن خواننده را متوجه هویت مردم صحرا می‌کند و به این موضوع اشاره دارد که نویسنده با بیان آنها درصدد دفاع از هویت خویش، مردم و نگرش خود است. برای مثال پس از اینکه شیخ اخواد در صحرا از تشنگی می‌میرد ال‌کونی مرگ او را با مرگ اطلانتس در صحرا که در اسطوره تانس و اطلانتس داستان آن آمده است، تطبیق می‌دهد: «إن الصحراء اختطفت منه أخواد إلى الأبد. ... استطاعت الصحراء أن تفعل به ما لم يستطع رصاص الطليان والفرنسيس وكل الأعداء أن يفعلوه به. ... ولكن تذكر لعنات تانس التي صبتها على رأس الصحراء القاسية بعد أن سلبت منها حبيبتها اطلانتس» (الکونی، ۱۹۹۱ (۱): ۱۶۸ و ۱۶۹).

ج) اسامی قبایل، مکان‌ها و قهرمانان آفریقا

واژه‌هایی که ابراهیم ال‌کونی در رمان به کار برده است، فضای سنتی و آفریقایی کشور لیبی را نشان می‌دهد اسامی قبایل و مناطق که در رمان به کار رفته است از فرهنگ طوارق و دیگر قبایل شمال آفریقا حکایت دارد. اسامی قبایلی از جمله "امنغستان"، "فوغاس"، "هوجار"، "کیل آبادا"، "أوراغن"، و ... و مناطقی همچون "غات"، "آدرار"، "آجال"، "أغادیس"، "کوه های "أکاکوس" و ... باهم‌آیی این اسامی و بسیاری دیگر از نام‌هایی که در رمان به کار رفته است، فضای قبیله‌ای و سنتی جامعه لیبی را

نشان می‌دهد. همچنین واژه‌هایی مانند نیروهای فرانسوی، توپخانه، مسلسل، تفنگ، بمب، ارتش ایتالیا، ژنرال بالبو، بوردیللو، غراسیانی، بولینو، دفاع از صحرا و ... از فضای جنگی جامعه لیبی در آن زمان حکایت دارد که در برابر استعمارگران ایتالیایی و فرانسوی به جنگ و دفاع می‌پردازد. افزون بر این ذکر اسامی قهرمانان آفریقا در رمان، نگاه ایدئولوژیک ابراهیم ال‌کونی را نشان می‌دهد. او با یادآوری این قهرمانان درصدد بیدارساختن روحیه ملی‌گرایی در مردم و مبارزه با استعمار می‌باشد. از جمله این قهرمانان می‌توان به "هانیبال" قهرمان کارتاژی جنگ‌های میان دولت کارتاژ و امپراتوری روم اشاره کرد.

نوع جملات و افعال و کاربرد ضمائر

از آنجایی که رمان از زبان سوم شخص و از زاویه دید^{۱۲} دانای کل روایت می‌شود، نوع جمله‌ها در رمان بیشتر خبری است و استفاده بیشتر از وجه خبری، نشان از قطعیت کلام در نزد گوینده دارد. در جاهایی از رمان که به روایت گفت‌وگوی میان شخصیت‌ها می‌پردازد، از جملات پرسشی نیز استفاده شده است. کاربرد اسلوب‌های استفهامی درباره مسائل وجودی، فلسفی و اجتماعی که در متن مطرح می‌شود و به مسائل فکری می‌پردازد، نشانگر تسلط حیرت و سؤال بر افکار ابراهیم ال‌کونی است. افعال و جمله‌ها بیشتر از نوع معلوم هستند و معلوم بودن اکثریت جملات، دال بر مشخص بودن شرکت‌کنندگان در فرآیند است و این موضوع به شناخت دقیق نویسنده از آنها و البته تجربه مستقیم نویسنده در فرآیند بازمی‌گردد. همچنین مشخص بودن فاعل افعال، قدرت تصمیم‌گیری مخاطب را برای نتیجه‌گیری بیشتر می‌کند و مقدمات فهم متن را فراهم می‌آورد. افعال و جملات مجهول به کار رفته شده اکثراً برای روایت اتفاق یا داستانی که متعلق به گذشته است، می‌باشد و بیشتر برای بیان گذشته شخصیت‌ها به کار رفته است. فعل‌های ماضی هم بیشتر برای روایت و حوادث گذشته به کار برده شده است. رمان به تکنیک بازگشت به گذشته^{۱۳}، روایت گذشته و استفاده از جریان سیال ذهن^{۱۴} متکی است و حوادث رمان برخلاف تسلسل و ترتیب رخداد روایت می‌شود. گاهی به

روایت گذشته و گاهی نیز به روایت اسطوره‌ای در میانهٔ رمان می‌پردازد و در بسیاری از موارد این بازگشت به گذشته علت اتفاقات و اضطرابات و تشویش‌های زمان حاضر بوده است. برای مثال رمان البئر با عبارت «البارحة مات اماستان» (الکونی، ۱۹۹۱: ۱) (۹) شروع می‌شود و سپس نویسنده به گذشته اماستان و علت خودکشی او می‌پردازد. استفاده از تکنیک زمانی باعث حذف دورهٔ زمانی از داستان و عدم پرداختن به اتفاقات آن زمان می‌شود که گاهی نویسنده بیش از حد به این موضوع می‌پردازد و بسیاری از حوادث و رویدادهای با زمان طولانی را خلاصه می‌کند. گاهی نیز در بعضی از اتفاقات، بدون شرح کامل، به سرعت از آن رد می‌شود. «ابراهیم الکونی در روایات خود همه امکانات روایت پردازی مانند بازگشت، تفکیک، بازگشت به آینده^{۱۵} و تداخل را به کار می‌گیرد. زبان در آثار او بیشتر مواقع روی به تجرید (تشخیص) می‌آورد. جمله در رمان‌های او مثل دانه‌های شنی است که به همدیگر متصل نبوده بلکه همانند موجی، توده‌وار در کنار هم قرار گرفته و روایت را پیش می‌رانند» (عبدالله، ۱۹۹۶: ۷).

الکونی اغلب از افعال مثبت استفاده کرده است و سعی دارد گفتمان را در ذهن مخاطبان مسلط کند. به عبارت دیگر، تسلط الکونی به عنوان نویسنده، باعث شده است که مخاطب بیشتر تحت نفوذ او قرار گیرد و این فرآیند به تأثیرگذاری گفتمان منجر می‌شود. او گاهی از افعال و جملات منفی نیز برای تأکید کلام خود استفاده می‌کند و در کنار استفاده بسیار زیاد از قطب مثبت، ساخت منفی را نیز به کار می‌برد. الکونی در بیان حوادث میل به شرح و تفصیل و استطراد داشته است؛ همچنان‌که میل و گرایش او در رمان به استفاده از جملات فعلیه بیشتر از جملات اسمیه بوده که دلالت بر گرایش او به حرکت، تغییر و دگرگونی است. همچنین بیشتر جملات فرعی که در ضمن جملات اصلی آمده، به صورت جملات فعلیه بوده است و تعداد جملات اسمیه از جملات فعلیه کم‌تر است. می‌توان گفت که بنای جملات اسمیه و یا فعلیه و یا جملات وصفی، از مضامین و محتوای روایت تأثیر پذیرفته است.

در خصوص ضمائر به کار رفته در رمان می‌توان گفت از آنجایی که روند داستان بیشتر به روایت رمان از زبان سوم شخص جریان دارد، بنابراین ضمائر بیشتر از نوع

سوم شخص است؛ اما در گفت‌وگوهای میان شخصیت‌های رمان، از ضمائر "من" و "تو" و "ما" و "شما" و "آنها" نیز استفاده می‌شود و تقابل ضمائر "ما" و "آنها" در حقیقت نشانگر تقابل مردم صحرا با استعمارگران اروپایی است که آنها را دیگری و غیرخودی می‌دانند. همچنین کثرت کاربرد ضمائر سوم شخص نشانه‌ای است بر اینکه از میان سه ضلع مثلث فکری نویسنده (گذشته، حال و آینده)، گزارش ضلع اول، یعنی گذشته، بیشتر مورد توجه و تمایل او بوده است.

جنبه‌های استعاری

ابراهیم ال‌کونی در رمان الخصوف به مخاطب نشان می‌دهد که رمان عرصه تقابل زندگی در برابر مرگ، جنگ و انقلاب در برابر استعمار، سنت در برابر مدرنیته، فداکاری برای وطن در برابر خیانت به آن، سکون و عدم تحرک و اقامت داشتن در برابر تحرک و سفر و آزادی از بند تعلقات مادی و ... است. او در رمان به توصیف صحرا و طبیعت آن، مردم و قبایل صحرا، شیوه زندگی بدوی و آداب و رسوم آنها پرداخته است. اولین عنصری که توجه خواننده را به خود جلب می‌کند و او را به محتوای داستان هدایت می‌کند، عنوان رمان است؛ در تحلیل آن می‌توان گفت که جامعه لیبی همچون ماه است که استعمار ایتالیا بر روی آن سایه افکنده، آن را تیره کرده و در حقیقت باعث خسوف آن شده است. نویسنده با انتخاب این نام برای رمان خود خواسته است تا خواننده را به محتوای رمان هدایت کند و این موضوع نشانگر نگاه ایدئولوژیک نویسنده است. از همان بخش اول رمان یعنی بخش "البئر" می‌توان به این نکته پی برد که بهای آب مساوی با قیمت زندگی است و ارزش آن با ارزش زندگی برابری می‌کند. صحرا استعاره‌ای از جامعه سنتی لیبی است و خروج از آن که در پایان بخش اول رمان یعنی "البئر" اتفاق می‌افتد، نشانه گذار جامعه لیبی از زندگی سنتی به زندگی شهری و مدرنیته است. اگرچه در برابر این تغییرات از سوی مردم سنتی و قبایل مقاومت نشان داده می‌شود اما در نهایت جامعه سنتی لیبی تسلیم این تغییرات تکاملی شده و به تعامل با آن می‌پردازد.

سطح تفسیر

تفسیرها ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر یعنی دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد. همچنین از نظر مفسر ویژگی‌های صوری متن در حقیقت به منزلهٔ سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازد و تفسیر محصول، ارتباط متقابل و دیالکتیکی این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای ذهن مفسر خواهد بود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). در اینجا پس از تقسیم سطح تفسیر به دو بخش، به بررسی آنها پرداخته خواهد شد.

بافت موقعیتی

با چند پرسش می‌توان به تفسیر بافت موقعیتی پرداخت. ماجرا چیست؟ یعنی در متن چه فعالیتی در حال انجام است؟ عنوان و هدف این فعالیت چیست؟ جان‌مایه متن چیست؟ جان‌مایه یک متن، عبارت است از خلاصه تفسیر آن به عنوان یک واحد کل، که مفسر می‌تواند بدان دست یابد و در حافظهٔ بلندمدت خود آن را نگاهداری کند تا در صورت نیاز به آن مراجعه کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۹). ماجرای اصلی رمان شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعهٔ لیبی در زمان ورود استعمارگران ایتالیایی و فرانسوی به لیبی، اشغال آن کشور توسط ایتالیایی‌ها و مبارزات قبایل و مردم صحرا با استعمارگرانی است که برای به دست آوردن نفت که خود اهل صحرا اطلاعات چندانی از آن نداشتند، عازم شمال آفریقا و لیبی شده بودند، می‌باشد و با ورود استعمار، زندگی مردم و قبایل لیبی تحت تأثیر پیامدهای آن قرار می‌گیرد. در این رمان، مردم لیبی در شرایط بسیار دشواری قرار دارند، کشور توسط ایتالیایی‌ها اشغال می‌شود و مردم در عین حال که مجبور هستند در این شرایط نابسامان به زندگی خود ادامه دهند، باید از هویت خویش نیز دفاع کنند. از این‌رو، ناچارند یا استعمار را بپذیرند و خود را با آن هماهنگ کنند یا اینکه مقابل آن جبهه بگیرند و هویت خویش را به قدرت برسانند، یا میان خودی و بیگانه سرگردان باشند و با علاقه یا بی‌علاقه تن به نوکری بیگانه دهند.

چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ این پرسش نیز دربارهٔ زمینه مطرح می‌شود. فاعلان و شرکت‌کنندگان اصلی رمان، افراد قبایل لیبی به خصوص قبیله امنغساتن می‌باشد که در جامعه سنتی و قبیله‌ای لیبی زندگی می‌کنند. در رمان الخسوف، بافت موقعیتی تقریباً یکسانی دیده می‌شود و غیر از غوما و رؤسای سایر قبایل که قدرت بیشتری نسبت به افراد قبایل دارند بقیه شخصیت‌ها از جایگاه تقریباً یکسانی برخوردارند. بافت موقعیتی شیخ غوما با دیگر افراد قبیله متفاوت است و او را در جایگاهی فرادست نسبت به دیگر شخصیت‌ها قرار می‌دهد. بقیه شخصیت‌های رمان از لحاظ فاصله طبقاتی و جایگاه اجتماعی هم‌پایه هستند و بیشتر ارتباط آنها تعاملی بوده و بر پایه فرادستی و فرودستی نیست. همچنین در سطح کلی‌تر، استعمارگران ایتالیایی در موضع فرادستی نسبت به افراد قبایل و مردم لیبی قرار دارند. در رمان الخسوف گروهی مانند أماستان و حکومت دست‌نشانده، که نماد گفتمان استعمارگران هستند، تلاش می‌کنند تا آرمان استعمارگران را در کشور لیبی به کرسی بنشانند، حتی اگر مردم در تنگنا قرار گیرند. گروهی دیگر مانند غوما و "عیاش الدّوس" و دیگر مبارزان که قهرمانان آرمانی نویسنده‌اند، شرکت‌کنندگان گفتمان هویت لیبیایی - اسلامی و مبارزه با استعمار هستند.

بافت بینامتنی

در رمان الخسوف در موارد بسیاری به جملات و عبارتهایی برخورد می‌شود که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از آیات قرآن و مضامین اسلامی گرفته شده و یا توسط اشخاص دیگری در گذشته بیان شدند. همچنین استفاده از اسطورهٔ تانس و اسطورهٔ جدال میان صحرای شنی و صحرای کوهستانی و دیگر اسطوره‌های مردم صحرا، باعث به وجود آمدن بینامتنیت اسطوره‌ای در رمان شده است؛ همچنان‌که استفاده از ابیات شاعران گذشته باعث به وجود آمدن بینامتنیت ادبی در رمان شده است. «او سنت‌ها، اساطیر محلی و باورهای دینی را در یک جا جمع می‌کند تا در کنار میراث ادبیات عربی، به رموز میراث ادبیات قدیمی اروپا دست یابد؛ به طوری که عناصر واقعی را به صورت رمز به کار می‌گیرد و آن را با عناصر سورئالیستی^{۱۶} و افکار خرافی، حکایات و

اسطوره‌ها در هم می‌آمیزد» (اکبری‌زاده، ۱۴۳۵: ۸۴). ابراهیم ال‌کونی با استفاده از این عبارت‌ها و بینامتنیت با قرآن و مضامین دینی و اسطوره‌های قبایل طوارق و تاریخ آن و با خلاقیت خود و تلفیق گفتمان‌های مختلف به گفتمانی جدید برای بیان شرایط اجتماعی و سیاسی آن دوران لیبی دست یافته است.

سطح تبیین

هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است؛ او تبیین گفتمان را به عنوان کنشی اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند؛ همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها می‌توانند چه نوعی از تأثیرات بازتولیدی را بر آن ساختارها بگذارند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵).

بازتولید گفتمان رسمی

در بخش تبیین می‌توان به دنبال آثار گفتمان رسمی بر نهادهای اجتماعی و افراد آن بود و اینکه شاخصه‌های گفتمان رسمی چگونه در سخنان شخصیت‌های رمان و سرنوشتشان تبلور می‌یابد. در اینجا به بررسی بازتولید مفاهیم گفتمان رسمی تولید شده در برخی از شخصیت‌های رمان پرداخته می‌شود. باتا زن زیبای صحرا به بازتولید گفتمان رسمی‌ای می‌پردازد که در اماستان تولید شده است. او با تأیید ضمنی کاری که اماستان کرده است به توجیه خیانت او به صحرا و مردم آن می‌پردازد و با این توجیه که استعمارگران دیر یا زود صحرا را به اشغال خود درخواهند آورد، سعی در تبرئه اماستان دارد و به این ترتیب به بازتولید گفتمان او می‌پردازد. همچنین آهر که زمانی در جنگ علیه استعمارگران فرانسوی شرکت داشت، در ادامه رمان به شرایط موجود راضی می‌شود و حتی با شیخ غوما در زمینه مبارزه با استعمارگران ایتالیایی و حکومت دست‌نشانده مخالفت می‌کند: «أعلن آهر: — کف عن تحریض الأهالی ضد السلطات. هذا لن يعود علی الوادی بخیر. هل تریدهم أن یبیدونا؟ إذا جدّ الجدّ فکیف سواجههم؟ کف عن

استفزاز السلطات یا شیخ غوما!» (الکونی، ۱۹۹۱ (۴): ۲۸۷). استعمارگران برای تسهیل حضور خود در کشورهای آفریقایی و دیگر کشورها، به دنبال ایجاد گفتمانی هم‌سو با منافع خود بودند. تبلیغات استعمار و گفتمان رسمی در رفتار اماستان تولید می‌شود اما تأثیر گفتمان رسمی محدود به اماستان نمی‌شود بلکه باتا و آهر را نیز تحت تأثیر این فضای بی‌تفاوتی نسبت به استعمار و استعمارگران قرار می‌دهد.

رابطه گفتمان رسمی و مناسبات قدرت

گفتمان رسمی که به تدریج از سوی استعمارگران اروپایی در جامعه لیبی به وجود آمد، گفتمانی استعماری است. شیوع بعضی انحرافات اخلاقی در میان شخصیت‌های رمان که از تأثیرات ورود استعمار به کشورهای شرقی است همچنین دل‌کنند شخصیت‌های رمان از شیوه زندگی سنتی خود، و روی آوردن به شیوه‌ای دیگر و تسلیم شرایط نامساعد اجتماعی و سیاسی شدن، از تأثیرات گفتمان رسمی است که در آینده جامعه و افراد آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. گفتمانی که در رمان تولید می‌شود گفتمانی انتقادی و ضداستعماری است که سعی در نفی استعمار و نشان‌دادن چهره کریه استعمار دارد. برای مثال در جایی که شیخ غوما از اعمال فجیع و قتل‌های استعمارگران سخن می‌گوید: «تعمدوا أن یقطعوا الرؤوس قبل الوصول الی الواحات بقلیل حتی یحافظوا علیها طازجة ویتفرج الأهالی علی الدماء» (الکونی، ۱۹۹۱ (۳): ۹۶). این امر مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین ابراهیم الکونی بیان می‌کند که استعمار و استعمارگران در گذشته نیز درصدد تسلط بر لیبی و مردم آن بودند: «— من یمکن أن یمکنوا غیر الطلیان؟ استعبدونا فی الماضي وحکمونا بالحديد واليوم یعودون لیبهوا کنوزنا تحت ستار البحث عن الآثار» (الکونی، ۱۹۹۱ (۴): ۱۰۶).

سراسر رمان، عرصه تقابل دو گفتمان برجسته در ساحت اجتماعی لیبی است؛ یکی گفتمان ملی‌گرایی بر اساس هویت لیبیایی - اسلامی و دیگری گفتمان استعماری است. تقابل خیانت به وطن و فداکاری برای آن، تعهد و بی‌تعهدی، دوستی و دشمنی و... همگی فضای رمان را در هیجانی تقابلی فرو برده است. نویسنده سعی کرده تا روابط

قدرت را در گفتمان‌های ملی‌گرایی، استعماری، هویت‌لیبیایی - اسلامی نشان دهد. او با ایجاد فضای تقابلی در رمان، مبارزات خود را با گفتمان غالب یعنی گفتمان استعماری، به صورت علنی نشان داده است. ال‌کونی پیوسته تلاش کرده است، گفتمان حاکم را رد و گفتمان ملی‌گرایی و هویت‌لیبیایی - اسلامی را تثبیت کند.

نتیجه

از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی، نویسنده در این رمان در تقابل با اندیشه و گفتمان حاکم قرار گرفته است. او برای نشان دادن این تقابل از وضع موجود جامعه، روایت‌ها را گرفته و با درآمیختن واقعیت با خیال، جنبه‌های زندگی قبایل لیبی را به نمایش گذاشته است. غوما قهرمان مبارزه با استعمارگران ایتالیایی و فرانسوی نماد کامل مبارزی آرمان‌خواه و سازش‌ناپذیر است. اماستان به خاطر خیانت خود به صحرا و مردم آن یک ضد قهرمان مطلق است و تقابل او با غوما در واقع تمثیل و جلوه‌ای از تقابل میان وطن‌پرستی و خیانت به آن است. صحرا نماد جامعه سنتی و قبیله‌ای لیبی است و خروج از آن نماد خروج از سنت‌ها و زندگی قبیله‌ای به سوی مدرنیته و شهرنشینی است. در رمان الخسوف گفتمان رسمی در قالب رفتار و گفتار شخصیت‌های رمان تولید و بازتولید می‌شود و در قالب گفتمان رسمی برخی از هنجارهای اجتماعی همچون وطن‌پرستی و روحیه آزادی‌خواهی وارونه شده و جای خود را به خیانت به وطن و راضی شدن به شرایط نامناسب اجتماعی و سیاسی می‌دهد و گفتمان انتقادی در قالب متن رمان و گفت‌وگوهای شخصیت‌های رمان پیامدهای منفی استعمار بر جامعه را نشان می‌دهد. ابراهیم ال‌کونی در ساختار و بافت متن، انتخاب واژگان خاص، استفاده از نمادپردازی و اسطوره‌های اهل صحرا و اشاره به قهرمانان آفریقا، به خلق داستان خود پرداخته است. بسامد این واژگان و نمادها نشانگر وجود گفتمانی ضد استعماری و انتقادی در این رمان است.

پی‌نوشت‌ها

1. Discourse Analysis
2. Michel Foucault
3. Text
4. Context
5. Magic Realism
6. Zelik Heris
7. John Sinclair
8. Malkom Kult Hard
9. Norman Fairclough
10. Teun. A. Van Dijk
11. Halliday
12. Point of view
13. Flash back
14. Stream of Consciousness
15. Flash forward
16. Surrealism

منابع و مأخذ

- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۹۴ه.ش)، تحلیل گفتمان انتقادی، چاپ سوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اکبری‌زاده، فاطمه و محمد طیبی (۱۴۳۵ه.ق). «حواریة اللغة في روايات ابراهيم الكوني»، مجله دراسات في العلوم الانسانية، السنة الواحد والعشرون، العدد ۱: صص ۸۱ - ۱۰۳.
- ایله‌ای یحیایی، احمد (۱۳۸۹ه.ش). «تحليل گفتمان چیست؟» نشریه بین‌المللی روابط عمومی / علمی / آموزشی. شماره ۱. صص ۵۸ - ۶۴.
- بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹ه.ش)، درآمدی بر تحلیل گفتمان، گفتمان و تحلیل گفتمانی، به اهتمام محمدرضا تاجیک، چاپ اول، تهران، فرهنگ گفتمان.
- پاینده، حسین (۱۳۸۲ه.ش)، گفتمان نقد، چاپ اول، تهران، روزنگار.
- عبدالله، ابراهیم (۱۹۹۶م). الجدید فی عالم الکتب و المکاتبات، العدد ۱۰.
- عثمان، اعتدال (۱۹۹۸م)، «قراءة استطاعية في أعمال إبراهيم الكوني»، مجلة الفصول، العدد ۴: صص ۲۲۷ - ۲۳۴.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹ه.ش)، تحلیل انتقادی گفتمان، مترجم: فاطمه شایسته پیران و دیگران، چاپ اول، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- قبادی، حسینعلی، فردوس آفاگل زاده و سید علی دسپ (۱۳۸۸ه.ش)، «تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور»، فصلنامه نقد ادبی، سال ۲، شماره ۶: صص ۱۴۹ - ۱۸۳.
- الکنونی، ابراهیم (۱۹۹۱م)، الخسوف ۱ (البئر)، دارالتنوير للطباعة و النشر.
- الکنونی، ابراهیم (۱۹۹۱م)، الخسوف ۲ (الواحة)، دارالتنوير للطباعة و النشر.
- الکنونی، ابراهیم (۱۹۹۱م)، الخسوف ۳ (أخبار الطوفان الثاني)، دارالتنوير للطباعة و النشر.
- الکنونی، ابراهیم (۱۹۹۱م)، الخسوف ۴ (نداء الوقواق)، دارالتنوير للطباعة و النشر.
- لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱ه.ش)، «درآمدی بر سخن کاوی»، مجله زبان شناسی، سال نهم، شماره اول: صص ۱۰۹ - ۱۲۲.
- مرتاض، عبدالملک (۱۹۹۰م). فی نظریة الروایة، بحث فی تقنیات السرد، الكويت: سلسلة عالم المعرفة، المجلس الوطنی للثقافة و الفنون و الآداب.
- میلز، سارا (۱۳۸۲ه.ش)، گفتمان، مترجم: فتاح محمدی، چاپ اول، زنجان، هزاره سوم.
- وتار، محمدریاض (۲۰۰۲م)، توظيف التراث فی الروایة العربية، ط ۱، دمشق، منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- یارمحمدی، لطف الله (۱۳۹۳ه.ش)، گفتمان شناسی رایج و انتقادی، چاپ دوم، تهران، هرمس.
- یورگنسن، ماریان، لوییز فیلیپس (۱۳۹۵ه.ش)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان انتقادی، مترجم: هادی جلیلی، چاپ ششم، تهران، نشر نی.
- Fairclough, N (1995), Critical Discourse, Analysis, London, Longman.
- Van Dijk, T. A (1993), Principles of Critical Discourse Analysis, Discourse and Society, 4 (2), pp: 249-83.

تحليل الخطاب النقدي لرباعية الخسوف في ضوء منهج تحليل الخطاب لنورمن فيركلاف

قاسم ابراهيمي^١

ابراهيم انارى بزجلوي^٢

ابوالفضل سجادي^٣

محمد جُرفي^٤

الملخص

إن تحليل الخطاب النقدي كاتجاهٍ يوائم بين الفروع المختلفة، يتجاوز أثناء دراسته للنصوص مستوى الجملة والكلام وينعطف نحو النسيج السياقي الذي يتشكل في النص. إن "نورمن فركلاف" وهو أحد المنظرين في هذا المجال وضع لنظريته ثلاثة مستويات هي: الوصف والتفسير والتبيين. يسعى هذا البحث عبر المنهج الوصفي التحليلي لدراسة تلك المستويات الثلاثة – المعتمدة في خطاب نورمن فركلاف النقدي – برواية الخسوف الرباعية لإبراهيم الكوني. إبراهيم الكوني في هذه الرواية سعى لتجسيد أحوال مجتمعه السياسية والاجتماعية والثقافية، و عمد الى ذلك عبر استعمال تقنيات التكرار والترادف والمفردات المضادة وتوظيف الاستعارات التعبيرية والبلاغية. إنه استطاع أن يسرد الأحداث في إطار رواياته بأسلوب واقعي وكذلك بواسطة الواقعية السحرية والاستقاء من القرآن الكريم و الروايات وأشعار الشعراء السابقين وتوظيف الأمثال والمفردات الشعبية (الدارجة) وأساطير البدو. كذلك قام الكوني – عبر خطابه المناهض للاستعمار – بسرد أمور كحياة البدو الطوارق، و الأحوال السياسية المضطربة وكذلك قام بتجسيد الأحوال الاجتماعية والثقافية في المجتمع الليبي إبان حكم الاستعمار الأروبي فيها، وكذلك تطرق لموجهة التراث والحداثة. يريد الكوني بتعزيز قيمة النضال أن يرفع معنويات الشعب و يبلور مفاهيم كالحرية والتغيير في مجتمعه.

الكلمات الرئيسية: تحليل الخطاب النقدي، نورمن فركلاف، إبراهيم الكوني، رباعية الخسوف.

١- طالب دكتوراه في فرع اللغة العربية و آدابها بجامعة أراك

٢- أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة أراك

٣- أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة أراك

٤- أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة أراك

**Critical discourse analysis of the quadripartite "Al-Khusuf"
based on Norman Fairclough's theory**

Qasem Ibrahim, Ph.D. Student of Arabic Language and Literature, Arak University

¹Ibrahim Anari Bozchallouei, Associate Professor of Arabic Language and Literature Department; Arak University

Abulfazl Sajjadi, Associate Professor of Arabic Language and Literature Department; Arak University

Muhammed Jorfi, Assistant Professor of Arabic Language and Literature Department; Arak University

Received: 30-05-2017

Accepted: 21-06-2018

Abstract

Critical discourse analysis, as an interdisciplinary field, goes beyond examining texts at the level of sentences and words; indeed, it focuses on the contextual framework in which the text is organized. Norman Fairclough is one of the theorists in this field who considers three levels of description, interpretation and explanation for his theory. Using a descriptive-analytical method, this study attempts to examine the three levels set by Norman Fairclough for the critical discourse of the four sections of Al-Khusuf novel. In this novel, Ibrahim Al-Kawni uses a combination of lexical repetitions, collocations, antonyms and conceptual and rhetorical metaphors. To explain the political, social and cultural conditions of the society, he also focuses on the foundations of realism and magical realism with references to various texts such as Quran, religious quotations, past poets, proverbs, folk idioms, and myths of the Sahara. He deals with anti-colonial discourse on issues such as the life of Tuareq tribes, the political, social and cultural unrest in the Libyan society during European colonialism, and the confrontation of tradition and modernity. The author mainly seeks freedom and change.

Keywords: Critical discourse analysis, Norman Fairclough, Ibrahim Al-Kawni, Quadripartite Al-Khusuf.